آمار

خشونت؛ صدر فهرست علل طلاق

درصورت بروز و تداوم خشـــونت خانگی علیه زنان و البته طرح شکایت، پای قانون به ماجرا باز می‌شود. درسیستم حقوقی ایران نیز مانند بسیاری از کشـــورها به دعاوی و اختلافات خانوادگی به‌طور تخصصی در دادگاه‌هایی با عنوان دادگاه خانواده رسیدگی می‌شود. طبق آخرین پژوهش انجام شده از سوی پژوهشگران جامعه دانشگاهی و انجمن خصوصی حمایت از حقوق زنان، طی ۱۰سال اخیر مهم‌ترین موضوعات منجر به طلاق در دادگاه‌های خانواده کشور عبارت از اعتیاد و بیکاری زوج، مسائل اقتصادی و مشکلات مالی، مسائل جنسـی، خیانت، عدم‌تناسب تحصیلی و فرهنگی زوجین و عدم‌آشـــنایی با مهارت‌های ارتباطی است. البته صدر این لیســـت بلندبالا، اعمال انواع خشونت (به‌ترتیب خشـــونت فیزیکی و روانی) علیه زوجه و اختلافات خانوادگی مطرح شده که گواه آن را می‌توان آمار ۳۸درصدی و قابل تأمل از مجموع آمارهای اورژانس اجتماعی کشور دانست. در پیوست این پژوهش آمده است که بیشترین اعمال خشونت خانگی علیه زنان در ۵سال نخست زندگی مشترک رخ می‌دهد که در همان بازه زمانی نیز بیشترین میزان طلاق و جدایی زوجین نیز ثبت می‌شود. بیش از ۳۷درصد زنانی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند بین ۱۷ تا ۳۵ســـال دارند که بیشترین مراجعه‌کننده به دادگاه‌های خانوادگی با هـــدف پیگیری پرونده طلاق نیز در همین گروه سنی هستند. میزان وقوع خشونت خانگی علیه زنان به‌صورت فیزیکی در خانواده‌هایی با درآمد پایین و رو به متوسط است. در خانواده‌هایی با درآمد متوسط رو به بالا و بالا، خشونت اعمال شده به زنان در نوع خشـــونت‌های روانی و عاطفی جای گرفته است. نکته جالب در این پژوهش، افزایش آمار طلاق طی ۵سال گذشته به‌دلیل بروز انواع خشونت روانی، کلامی و عاطفی در بین گروه‌های سنی ۴۰ تا ۵۰ساله است.

نگاه

بیشترین و کمترین‌های ازدواج و طلاق

طبق آخرین آمار منتشـر شده از سوی سازمان ثبت احوال کشور، در بهار ســال ۱۴۰۱ در کل کشـور ۱۴۲هزارو۲۹۸ ازدواج و ۴۴هزارو۱۵۹ طلاق به ثبت رسـیده است. بر پایه آمار ثبت احوال کشـور ۴۴هزارو۱۵۹مورد طلاق در بهار ســال جاری به ثبت رسـیده که از ایـن تعداد ۱۲هزارو۹۸مـورد طلاق بـرای فروردین‌ماه، ۱۵هزارو۳۲۴مـورد طلاق برای اردیبهشـت مـاه و ۱۶هزارو۷۳۷مـورد طـلاق هـم در خردادماه به ثبت رسـیده اسـت. بیشـترین طلاق ثبت شده در کشـور به‌ترتیب مربوط به اسـتان‌های تهران با ۷هزارو۹۲۶مورد طلاق، خراسـان رضوی ۴هزارو۸۰۹مـورد و فارس با ۲هـزارو۵۲۵مـورد بوده اسـت. از مجموع ۴۴هزارو۱۵۹مورد ثبت شده در بهار سال ۱۴۰۱ در کشـور کمترین طلاق به‌ترتیـب مربوط به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۲۴۵مورد، ایـلام با ۲۴۹مـورد و سـمنان بـا ۳۳۷مورد اسـت. بیشـترین ازدواج‌ها به‌ترتیب مربوط به اسـتان‌های تهران با ۱۶هزارو۲۲۵، خراسـان رضوی بـا ۱۲هزارو۴۰۱مورد و خوزسـتان با ۱۰هزارو۹۳۹مورد اسـت. همچنین کمترین ازدواج ثبـت شـده در کشـور نیـز در همین زمان به‌ترتیب مربوط به اسـتان‌های سـمنان با ۸۱۸ازدواج، ایـلام هزارو ۳۷مـورد و یزد با یک‌هزارو۵۱۵مورد ازدواج بوده است.

در جست‌وجوی خانه آرام

متخصصان و فعالان حوزه حقوق زنان از واکاوی پدیده خشونت و ظلم علیه زنان در خانه و راهکارهای مقابله با آن می گویند

گزارش
سحر جعفریان
روزنامه‌نگار

خانواده، نه تنها در اســلام و ایران، که حتی در بیشتر نقاط جهان هنــوز هم مهم‌ترین نهــاد اجتماعی به شمار می‌رود. کشورهای توســعه‌یافته معمولا وقتی می‌خواهند تغییری مثبت و اجتماعی ایجاد کنند، سعی می‌کنند از این نهاد و ســرمایه‌گذاری روی آن شروع کنند. به همین نسبت است که خانه نیز باید امن‌ترین نقطه یک جامعه باشــد؛ جایی که در آن روح، روان و جسم همه اعضای خانواده، در آسایش، آرامش و امنیت به ســر می‌برد، اما گاهی چنین نمی‌شود و در محیط همین خانه، ظلم‌هایی به زنان و دختران می‌شــود؛ ظلم‌هایی که ناشــی از کاستی‌های فرهنگی، عرفی و تاریخی هر منطقه‌ای است و نباید نسبت به رفع آنها کوتاهی کرد. خشونت خانگی علیه زنان و ظلم‌هایی که علیه آنها صورت می‌گیرد، جای هیچ توجیهی ندارد؛ روندی که حتی سابقه در تاریخ داشته و به امروز نیز ســرایت کرده و موجب رنج زنان آسیب‌دیده شده است؛ زنانی که حتی بعد از گذار دوران تنگ و تاریک باستان هم از گزند خشونت‌های بدوی آن در جغرافیای امن(!) خانه در امان نمانده‌اند و هــر بار به بهانه‌های مختلف از جامعه‌پذیری در نظام‌های ارزشی گوناگون، برخوردهای جنسیتی تا گزاره‌های قومیتی و اقدامات منفعت‌طلبانه، طیف گســترده‌ای از خشــونت‌های خانگی را تجربه کرده و می‌کنند. از جراحت جســم و زخم نشانده بر روان این زنان اگر بگذریم، این پدیده تاریخی که به گواه آمــار و پژوهش‌های متعدد، امروز در دوران مدرنیته، رختی نو بــر تن کرده، پیامدهای ناگوار بسیار دارد که آتشــش، خرمن آینده جوامع و پیشرفت‌های جهانی در همه عرصه‌ها را می‌سوزاند. با هدف واکاوی موضوع خشونت خانگی علیه زنان و بررسی راهکارهای موجود، میزگردی آنلاین با جمعی از فعالان و کارشناسان حوزه‌های مختلف داشته‌ایم که پیش‌رو دارید.

۱

پدیده‌ای هزار چهره

زهرا خرمنگیر، متخصص زنان و جهادگر

سرنخ گفت‌وگو در میزگرد آنلاین را زهرا خرمنگیر، متخصص زنان و مامایی، جهادگر و مدرس سبک زندگی شاد و سالم، دست می‌گیرد و از واقعیت پدیده خشونت و ظلم خانگی علیه زنان این چنین می‌گوید: «خشونت و ظلم خانگی علیه زنان، پدیده‌ای واقعی است که حتی در قرن حاضر و شهرت‌یافته به قرن پیشرفت و تکنولوژی هم قربانی‌های فراوان دارد؛ خشونت به اشکال مختلف که تفاوت در آنها ناشی از جغرافیا، فرهنگ و اقتصاد خانواده‌ها می‌شود. این را من به پشتوانه تجربه عینی حاصل از سال‌ها فعالیت جهادی درمانی و بهداشتی در مناطق مختلف پایتخت، نه به واسطه بازخوانی نظریه‌ها و اسنادی نامعتبر، مدعی هستم. در اردوهای درمانی که همراه سایر پزشکان جهادگر در مناطق کم‌برخوردار جنوبی و روستاهای حاشیه شهر برگزار می‌کنیم، ما شاهد این هستیم که زنان اغلب مورد ضرب و شتم از سوی همسران و حتی فرزندانشان قرار می‌گیرند. سردردهای مزمن و دائمی، یکی از گلایه‌های زنان در این مناطق است که بابت درمانش نزد ما می‌آیند یا مواردی را داشته‌ایم که دختران ملزم به بلند کردن موهایشان بودند تا با فروش موهایشان، بخشی از مخارج خانواده فراهم شود.

اینها اشکال مختلفی از خشـــونت خانگی علیه زنان است که متأســـفانه در این مناطق به‌دلیل باورهای فرهنگی غلط و عدم‌آگاهی زنان نسبت به حقوق خود، مورد پذیرش قرار گرفته و حتی از آن به‌عنوان تلخ و شیرین‌های معمول یک زندگی یاد می‌شود! درواقع پذیرش ظلم در این مناطق و مناطق مشابه در شهرهای دیگر، از فقر دانش عمومی و فرهنگی ناشی می‌شود.

در اردوهای درمانی دیگر که در مناطق مرکزی تهران به‌ویژه منطقه ۱۲داشته‌ایم، خشونت خانگی، شکلی متفاوت‌تر به‌خود گرفته که در اغلب موارد به وقوع جرم نیز گره خورده است. آنجاست که پای دستگاه‌های انتظامی و قضایی به ماجرا باز می‌شود. در مناطق شمالی شهر، خشـــونت خانگی علیه زنان جنبه روانی به‌خود می‌گیرد و در قالب کم‌توجهی، بی‌مهری و خیانت دیده می‌شود. البته تأکید می‌کنم که ما در اینجا در مورد اشکال خشـــونت دارای فراوانی صحبت می‌کنیم و این بدان معنا نیست که مثلاً خیانت (نوعی از خشونت خانگی عیله زنان) در مناطق پایین یا حاشـــیه شهر دیده نمی‌شود؛ بنابراین پدیده هزار چهره خشـــونت و ظلم خانگی علیه زنان در جامعه ما نیز وجود دارد و نباید آن را تابو و نوعی تحریم اجتماعی دانست. باید از آموزش‌های تخصصی و مستمر شروع کرد و به فرهنگسازی و در نهایت به یک قانون جامع در مورد حقوق زنان رسید.»

بوی بهبود از اوضاع زنان ایرانی

آمارها درباره تغییر وضعیت زنان در نیم قرن اخیر چه می گویند؟

آنچه آمار و اسناد معتبر از وضعیت زنان ایران طی یک قرن اخیر پیش‌روی ما می‌گذارد، اشاره مستقیمی به تأثیر رویداد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷بر وضعیت آنها دارد؛ رویداد بزرگی که روزن امیدی برای زنان با هدف مطالبه‌گری جامع و کامل حقوق‌شان در همه عرصه‌های خرد و کلان جامعه محسوب می‌شد و اگر هنوز با آرمان‌شهر فاصله‌ای است باید به شناسایی خلأها، موانع، تقویت زیرساخت‌های گوناگون با توجه به پیوست‌های مطالعاتی و پژوهشی پرداخت. در زیر وضعیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زنان در قالب اعداد و ارقام قبل و بعد از رویداد پیروزی انقلاب اسلامی به اجمال بررسی می‌شود؛ آماری که از معاونت ریاست‌جمهوری در امور زنان و خانواده دریافت شده است.

آموزش

حوزه آموزش را یکی از حوزه‌های کلیدی در علوم انســانی و برشــمردن کمیت و کیفیت توسعه پایدار جوامع تلقی می‌کنند که هر چه میزان فعالیت و حضور زنان در آن پررنگ‌تر باشــد، اهمیت آن دوچندان می‌شود. در این حوزه با پیروزی انقلاب اسلامی روزبه‌روز عرصه درخشش زنان بسیار شــد؛ زنانی که تا پیش از آن در آرزوی خواندن و نوشــتن‌های مقدماتی، ظلم‌ها و محدودیت‌های فراوان تجربه کرده بودند. از سال ۱۳۵۷ تا سال پایان ســال ۱۴۰۰ در حوزه آموزشی سهم زنان در عضویت هیأت علمی دانشگاه‌ها به ۳۳٫۳درصد و در دانشگاه‌های علوم پزشکی به ۳۴درصد افزایش داشته است. جالب است بدانید دانشجویان دختر نیز رشد فوق‌العاده‌ای داشته‌اند و به ۵۶درصد کل دانشجویان کشور رسیده‌اند. بی‌سوادی زنان و دختران با نسبت ۹۹٫۳درصد نسبت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ریشه‌کن شده و نسبت جمعیتی دانش‌آموزان دختر به دانش‌آموزان پسر ۲۸درصد رشد کرده و سیر صعودی داشته است.

تألیف و نشر

در حوزه تألیف و نشر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۴۰۰بیش از ۹هزار و ۵۰۰مؤلف زن و ۸۴۰ناشر زن در کشور فعالیت داشته و با رشدی تک‌رقمی در سال ۱۴۰۱نیز همچنان فعالیت دارند. لازم به ذکر اســت که ســال ۱۳۳۸در ایران که حدود ۲۰میلیون نفر جمعیت داشت، فقط ۴۸۵عنوان کتاب منتشر می‌کردند؛ یعنی به ازای هر یک میلیون نفر ۲۴عنوان کتاب که البته سهم زنان نویسنده در آن حداقل‌ها هم نادیده گرفته می‌شد.

حوزه بهداشت

حوزه بهداشت نیز ازجمله حوزه‌های تأثیرگذار بر سلامت جامعه و افزایش نمودار جمعیت است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیش از ۹۵درصد زایمان‌ها توسط بانوان متخصص زنان و زایمان انجام شده است. این در حالی است که به ازای هر ۱۰۰هزار زن در کشور ۶۰ماما و ۲٫۸متخصص زنان و زایمان در کشور فعالیت دارد. با اجرای شبکه پوشش همگانی سلامت (پوشش سلامت و درمانی همه اقشار مردم جامعه بدون ملاحظات قومی، اقتصادی و جغرافیایی) برای ۱۰۰درصد شهرنشــینان و ۹۹درصد روستاییان و عشایر، کسب رتبه دهم در جهان از نظر کمترین میزان مرگ از دهانه رحم، کاهش نرخ مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵سال به ۱۴٫۲درصد در هر ۱۰۰هزار تولد و کاهش نرخ مرگ‌ومیر نوزادان به ۸٫۲درصد در هر ۱۰۰هزار تولد از دستاوردها و پیشرفت‌های زنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۱۴۰۰بوده است.

۲

حمایت از زنان با راهکارهای قانونی

مریم فضلی، مدرس و مولف حقوق

صحبت از قانون جامع حمایت از حقوق زنان که می‌شود، مریم فضلی، مدرس و مؤلف حقوق می‌گوید: «هیچ قانون مشخص و اختصاصی‌ای در مورد خشونت خانگی و موارد مجازات آن در قانون مدنی ایران ذکر نشده است. درواقع با یک خلأ قانونی در این زمینه مواجه هستیم. از سویی در قوانین جزایی ضرب، جرح، آزار و اذیت‌های جسمی مورد توجه قرار گرفته که به‌صورت غیرمستقیم می‌توانیم بگوییم خشونت خانگی را هم شامل می‌شود. این بدان معناست که اگر خشونت خانگی از نوع فیزیکی رخ دهد از لحاظ قانونی جرم (عمومی) اتفاق نیفتاده است تا زمانی که فرد آسیب‌دیده شکایت کند و پرونده تشکیل دهد. به این موارد، اضافه کنید که برای فشارها و آزارهای روحی که ممکن است در جریان زندگی مشترک و در حریم خانه و خانواده به زن وارد شود نیز مجازاتی معین درنظر گرفته نشده است. اگر بخواهم مســتندتر موضوع را مطرح کنم باید این چنین بگویم که براساس ماده ۱۱۱۵قانون مدنی، اگر زنی در منزل مشترک با همسر خود مورد ضرر جانی، مالی یا شرافتی قرار گیرد، می‌تواند خانه همسر خود را ترک کند؛ بدون اینکه ناشزه (زنی که وظایف زناشوییِ‌اش را بدون عذر شرعی یا قانونی انجام نمی‌دهد) محسوب شود. در مقابل، مرد نیز موظف است که همچنان نفقه زن خود را بپردازد. همچنین مطابق ماده ۱۱۳۰قانون مدنی، یکی از مواردی که مطابق آن زن می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق کند، ضرب‌وشتم و خشونت جسمی و آشکار همسر علیه اوست. البته شاید در اینجا ذکر ماده ۶۱۹قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) ثمربخش باشد؛ هرچند که موضوع بحث ما درخصوص خشونت خانگی است. مطابق این ماده، هرکس در اماکن عمومی یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین کند، به حبس از ۲تا ۶ماه و تا ۷۴ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ناگفته نماند که قانون اسلامی ایران منطبق بر فقه اسلامی است که در بسیاری از موارد ماده و تبصره‌های حمایتی ناشناخته یا کمتر شناخته شده از زنان دارد که خلأ پیش‌تر ذکر شده را نمی‌توان به فقه نسبت داد؛ چراکه فقه اسلامی به‌عنوان فقه پویا دست قانون را در بازنگری برخی احکام و قوانین باز گذاشته است. مانند لایحه «منع خشـــونت علیه زنان» یا «تأمین امنیت خانگی زنان» که بالاخره سال ۱۳۹۶به مجلس رفت تا ضمن تدوین به قوه قضاییه ارائه شود. اما این لایحه در فراز و نشیب‌های بسیار به فراموشی سپرده شد تا مدتی پیش که دوباره روی میز نمایندگان مجلس قرار گرفت.» فضلی تأکید می‌کند: «امروزه زنان علاوه بر وظایف تربیتی و معطوف به خانه و خانواده، پا به عرصه‌های مختلف گذاشته‌اند که آنها را صاحب برندهای اجتماعی و فرهنگی بسیار و هویت مدرن کرده است؛ هویتی که باید از سوی جامعه و قانون درک و حمایت شود و نقشه راه قانونی یابد. ناگفته نماند این خلأ قانونی در قوانین سایر کشورها هم به نوعی دیگر وجود دارد که آنها این خلأ را مثلا با ارائه خدمات اجتماعی مختلف (تأسیس خانه‌های امن با اقامت نامحدود، حمایت‌های شغلی و درآمدی و پیگیری قضایی) پوشش داده‌اند؛ پوششی که چون وجوه مثبت دارد می‌تواند با ایجاد تغییراتی خاص، معادل‌سازی شود.»

۳

از اسلام قرائت اشتباهی نداشته باشید

عاطفه بنیادی، کارشناس مذهبی و مدرس قرآنی

عاطفه بنیادی، کارشـــناس مذهبی و مدرس قرآنی، با تأکید بر برداشت‌های نادرست و گاه غرض‌ورزانه از آموزه‌های اسلامی درباره جایگاه و حقوق زنان می‌گوید: «دین اسلام، همان دینی است که از زنده به گور کردن دخترانی که در باورِ زن‌ستیزانه اعراب آن زمان، مصرف‌کننده، دارای نقصان عقل، ضعیف و غیرمدافع (فاقد قدرت‌های جنگ‌آوری و شمشیرزنی) بودند، جلوگیری کرد و مقام زن را جایگاهی والا و بالا بخشید. در اسلام، تفاوت ارزشی و انسانی بین مرد و زن وجود ندارد؛ مگر آنجا که تقوای یکی بر دیگری فزونی یابد.» بنیادی همچنین می‌افزاید: «تفاوت‌های مرد و زن که اسلام از آنها سخن گفته مبتنی بر تفاوت‌های جسمی، ساختاری و روحی است که به نظام حکیمانه طبیعت بازمی‌گردد؛ به‌عنوان مثال، می‌توان به تفاوت میان گل (زن) و ساقه (مرد) اشاره کرد. گل مظهر زیبایی و آرامش است که نمی‌توان از آن توقع استقامت‌های طاقت‌فرسا داشت. شاخه نیز می‌تواند نشانه استقامت و تحمل باشد که نمی‌توان از آن توقع ظرافت داشت؛ چراکه ساختار هریک بر واقعیت‌هایی بنا شده که باید با توجه به آن واقعیت‌ها، شرایط و بستر کارکردشان را فراهم آورد. این تفاوت در کارکرد را نیز نباید به ضعیف یا قوی بودن (زن یا مرد) تعبیر کرد؛ طوری که قوی مجاز باشد بر ضعیف، جور و جفا روا دارد! این تعبیر غلط و عینیت بخشیدن به آن در ساحت رفتار و عمل را پای اسلام نگذارید. برخی مدعی‌اند اسلام، زن را با پوشش و پاره‌ای از محدودیت‌ها مورد خشونت قرار داده است؛ خشونتی که گاه نیز مردان مسلمان از آن سوءاستفاده می‌کنند، اما واقعیت این است که اســلام چیزی جدا از این قرائت‌های اشتباه و مغرضانه است. اسلام، مخالف خشونت علیه زن است. همچنان که در آیات و روایات بســیاری از ثواب و پاداش مهرورزی به زنان و تکریم مقام آنان ســخن به میان آورده است. نوعی از مهرورزی که عقلانیت و انسانیت را دربر می‌گیرد و از افراط و تفریط‌های رفتاری منجر به اعمال انواع خشونت علیه زنان (بردگی جنسی، بهره‌کشی‌های ابزاری و اقتصادی، نمادسازی با هدف افزایش میل مصرف‌زدگی) در برخی جوامع به دور است. کافی اســت نگاهی به آخرین دستاوردهای پژوهشـــی و تحقیقی جوامع توسعه‌یافته بیندازید تا متوجه شوید آنها نیز در مولفه‌های سنجش میزان کمی و کیفی رضایت و خشنودی زنان از زندگی فردی و جمعی (محوریت خشونت خانگی علیه زنان)، گوشه‌چشمی به حجاب استاندارد و دوری از مصرف‌زدگی نظام‌های اضطراب‌آفرینِ سرمایه‌داری داشته‌اند. درواقع رویکرد ابزاری و لوکس‌مآبانه دنیای غرب نسبت به زنان به انواع خشونت نزدیک‌تر استَ تا رویکرد ارزشی و معرفتی اسلام نسبت به زنان که آنها را محترم شمرده و مرد را در خدمت او و خانواده گمارده است.»

۴

حقوق زنان در سایه تجارت!

شهلا اسدی، جامعه‌شناس و پژوهشگر

شهلا اسدی، جامعه‌شناس و پژوهشگر مسائل اجتماعی، وقوع بحران خشونت در خانواده و جامعه علیه زنان را چیزی جز رشد پنهان و آهسته خشونت به‌عنوان ساختار نه ابزار در فضای کلی جامعه نمی‌داند و می‌گوید: «پایه اصلی خشونت خانگی و اجحاف علیه زنان به جامعه‌پذیری با مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای عرفی و قومی (مانند فرهنگ مرد یا پدرسالارانه ایران در دوره‌های پیشین) بازمی‌گردد که قدرت باورپذیری و تأثیرگذاری‌شان ناشـــی از تکیه زدن بر دامنه واقعیات نهادینه شده هر جامعه است. این مجموعه‌های ارزشـــی و فرهنگی جوامع به‌دلیل منطبق نشـــدن با تحولات روز در اغلب موارد بیش از آنکه راهگشـــا باشند، مشکل‌ساز هســـتند؛ مانند باور فرهنگی و عرفی محدود ماندن زنان در محیط خانه یا ارزان بودن نیروی کار آنها. این باور در دنیای امروز با توجه به حضور گســـترده و مؤثر زنان به چالش جدی کشانده شـــده؛ طوری که معلول دیگری با نام «نابرابری اجتماعی و تبعیض» به‌وجود آمده است. این معلول نیز به شکل‌گیری مفهوم «منابع قدرت و ثروت» کمک می‌کند؛ منابع قدرت و ثروتی که از اشـــکال مختلف اعمال خشـــونت علیه زنان در پشت‌پرده ســـود می‌برند. آزادی‌های بی‌حد و حصر کشورهای توسعه‌یافته به زنان با هدف کسب سود و رونق چرخه اقتصاد (صنعت لوازم آرایشی و بهداشتی، محصولات فرهنگی مبتذل) انجام شده است. کشورهایی که اگر در تاریخ آنها کنکاش کنیم به مواردی از خشونت و محدودیت علیه زنان (حق مالکیت، حق باروری، حق رأی و...) برخواهیم خورد که حسابی غافلگیرمان می‌کنند. آزادی‌هایی که آنها به زنان اعطا کرده‌اند به‌خودی خود زمینه‌ساز اعمال خشونت در اشـــکال مختلف دیگر مانند برده‌داری‌های جنسی، سوءاســـتفاده‌های تبلیغاتی و آزار روانی یا به‌عبارتی فرورفتن در منجلاب «ابتذال» است. اغلب جنبش‌های فمینیستی سراسر جهان تحت‌تأثیر این آزادی تجاری شده(!)، اقدام به مدل‌سازی و الگوسازی کرده‌اند. الگوهایی که با زرق و برق فراوان در قالب ایده‌آل گرایی حقوق زنان از طریق رسانه‌های جمعی پرمصرف به مخاطبان معرفی و القا می‌شوند تا به‌واقع گردش مالی بازار خود را افزایش دهند. به‌نظرم ابتدا باید تکلیف‌مان را با خواسته‌هایمان در مورد حقوق زنان روشن کنیم. دنبال چه هستیم؟ آزادی یا آزادی تجاری به ابتذال رفته؟! بعد، باید از ســـطح عبور کنیم و با اتکا به پژوهش‌های علمی در زمینه شناسایی علل و عوامل بروز خشـــونت خانگی علیه زنان در ایران (مهم‌ترین این علل شامل باورهای عرفی، سنت‌های منسوخ و فقر اقتصادی است) و بازتعریف ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با شرایط حال حاضر، خشونت و نابرابری علیه زنان را از بین ببریم. البته اگر قرار باشد نسخه‌ای اختصاصی برای رفع خشونت خانگی علیه زنان در ایران بپیچیم، علاوه بر راهکارهای ذکر شده در بالا باید اعتماد عمومی را نیز ترمیم کنیم؛ اعتمادی که طی سال‌های اخیر رد پای سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های سلیقه‌ای در آن دیده می‌شود.» اسدی در پایان خاطرنشان می‌کند: «حقوق زنان در ایران با توجه به آموزه‌های دینی که زن را در ویترین هر صنعتی نمی‌گذارد، می‌تواند به حقوق مرجع در جهان تبدیل شود؛ اگر موارد بالا نیز در آیین‌نامه آن لحاظ شود.»

۵

اولویت‌بخشی به موضوع خشونت علیه محوری‌ترین عضو جامعه

نرگس موسوی، روانشناس و مددکار اجتماعی

«فرهنگ مردسالارانه دوران‌های گذشته طیف وسیعی از خشونت و ظلم علیه زنان را در برداشت؛ فرهنگی که در آن مردان جنس برتر و نخست جامعه و زنان جنس دوم و ضعیف بودند.» این را نرگس موسوی، روانشناس و مددکار اجتماعی می‌گوید و ادامه می‌دهد: «در دوران معاصر نیز همچنان این فرهنگ مردمحوری تحت‌تأثیر تحولات دنیای امروز به شکلی دگرگون یافته، عرض‌اندام می‌کند. مصادیقش هم از تحقیر، ممانعت اجتماعی و تحصیلی تا برخورد فیزیکی، محدودیت‌های اقتصادی، ازدواج اجباری و سوق به‌خودکشی و قتل است؛ مصادیقی که هر یک به تنهایی می‌توانند ضمن ادامه چرخه خشونت، توسعه پایدار جامعه را دور از دسترس قرار دهند؛ بنابراین پدیده اعمال خشونت خانگی علیه زنان باید به اولویت قانونگذاران، برنامه‌ریزان و مسئولان تبدیل شود؛ چراکه هم خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد تربیتی افراد است و هم اینکه زن، محوری‌ترین نقش در این نهاد مهم را بر عهده دارد. با این اوصاف، تصور کنید زن در یک خانواده، مورد خشونت و ظلم قرار گیرد؛ خشونت‌هایی که بدیهی است به روان او آسیب می‌رساند. در مراحل بعد، این زن آسیب‌دیده باید به تربیت نسل آینده که مدام هم شاهد اعمال خشونت بوده، بپردازد، تربیتی بر پایه پرخاشگری و عقده‌های سرکوب شده که حاصلی جز حیات چرخه خشونت و بازتولید نسلی پرخاشگر و انتقام‌جو ندارد.

جالب است بدانید که اگر خشونت خانگی علیه زنان متوقف شود، در سایه آن، خشونت علیه گروه‌های مختلف مانند کودکان، مردان و حیوانات نیز از بین خواهد رفت.» موسوی، خشـــونت و ظلم خانگی علیه زنان را پدیده‌ای جهانی می‌داند و می‌گوید: «به‌طور رسمی و فراگیر از اواخر دهه ۸۰میلادی مقابله با خشونت خانگی علیه زنان در بسیاری از کشورها آغاز شد. مقابله به شیوه‌های گوناگون که مهم‌ترین‌شـــان آموزش از سنین پایه و ارائه خدمات تخصصی و منحصر به فرد در این رابطه از سوی مراکزی خاص است. شاید با اغماض بتوان ادعا کرد که جامعه ما در امر آموزش قدم‌هایی برداشته باشـــد، اما در راســـتای راه‌اندازی مراکزی اختصاصی و حمایتی از زنانی که مورد خشونت و ظلم خانگی قرار گرفته‌اند، توفیقی حاصل نکرده است؛ مراکزی که کارشناسانش در بسیاری از اداره‌ها و سازمان‌ها که زنان رفت‌وآمد دارند، حضور داشته باشند و پشتیبانی‌های آنلاین ارائه دهند. آموزش حقوقی پیش از ازدواج مانند آزمایش و مشاوره‌های معمول نیز می‌تواند با توجه به سازوکار قانونی، تأثیرگذار باشد.»

اشتغال و کارآفرینی

حوزه‌های اشتغال، کارآفرینی، استارت‌آپ و شرکت‌های دانش‌بنیان ازجمله حوزه‌های مورد توجه زنان در عصر حاضر بوده است، به‌طوری که بیش از ۴هزار و ۲۰۰صندوق اعتبارات خُرد زنان روستایی در سراســر ایران با تخصیص هزار و ۲۰۰میلیارد ریال اعتبار دولتی، بانوان کارآفرین و ایده‌پرداز را در اولویت قرار داده‌اند. ناگفته نماند که ۲هزار و ۳۹۰زن به‌عنوان عضو هیأت مدیره شــرکت‌های دانش‌بنیان فعالیت می‌کنند.

پوشش بیمه

پوشش بیمه تأمین اجتماعی برای زنان سرپرست خانوار، کاهش نرخ بیکاری زنان به ۱۳٫۷درصد، رشد کارفرمایان زن به ۱٫۲درصد زنان شاغل، توسعه کسب‌وکار پایدار، افزایش دسترسی زنان به منابع طبیعی و اجرای طرح ملی توان‌افزایی اشتغال با محور زنان روستایی و عشایر سایر دستاوردهای زنان پس از انقلاب در حوزه اشتغال و کارآفرینی است.

ورزش

ورزش هم یکی از آن حوزه‌هاســت که زنان در آن به‌صورت گســترده و مؤثر حضــور یافتند. ۱۶هزار و ۱۱۱باشگاه ورزشی ویژه زنان در شهرهای مختلف فعالیت دارند که افزایش این تعداد همچنان در دستور کار نهادها و سازمان‌های متولی است. گواه حضور گسترده و تأثیرگذار زنان در این حوزه، کسب بیش از ۳هزار و ۳۵۰مدال (طلا، نقره و برنز) در رویدادهای اخیر جهانی توسط ورزشکاران زن است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۷۰زن رئیس‌هیأت ورزشی در استان‌ها و ۵۱زن رئیس و نایب‌رئیس فدراسیون‌های ورزشی بوده‌اند. همچنین ۸۸هزار و ۳۶۶نفر داور زن در مسابقات ملی و بین‌المللی به داوری پرداختند. زنان ایرانی ۹۷کرسی بین‌المللی در فدراسیون‌های ورزشی جهان را نیز فتح کرده‌اند.

مدیریت و سیاستگذاری

شاید بپرسید از حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی دولتی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی چه خبر؟! اینجاست که آمارهایی مانند ۲۵٫۲درصد از مدیران دولتی کشور در همه سطوح عالی، میانی و پایه مدیریت اجرایی، فعالیت هزار و ۱۲۱زن قاضی در کشور، رشد ۲۲۷درصدی زنان داوطلب نمایندگی مجلس در دوره یازدهم، کسب ۱۱۱کرسی مجلس شورای اسلامی توسط زنان در ۱۱دوره، ارتقای میزان مشارکت زنان در مجلس به ۵٫۵۹درصد، حضور ۱۶٫۵برابری زنان نماینده مجلس شورای اسلامی از دور اول تا پایان سال ۱۴۰۰و البته سیر صعودی حضور در مشاغل خاص صنعت‌های هوایی و دریایی، خودنمایی می‌کند.

محیط‌زیست

پس از پیروزی انقلاب اسلامی زنان در حوزه محیط‌زیست نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌اند. در این حوزه ۴دوره تصدی ریاســت سازمان محیط‌زیست توســط زنان، اجرای طرح ملی ترویج و فرهنگسازی تولید و مصرف محصول استاندارد برای زنان روستایی و عشایری، تخصیص یک‌چهارم از پست‌های مدیریت کلان حوزه محیط‌زیست و همچنین ۴۰درصد تصدی معاونت‌های سازمان محیط‌زیست در اختیار زنان بوده است.

آسیب‌های اجتماعی

با این حال هنوز راه بسیاری تا آرمانشهر زنان و ایجاد شرایط ایده‌آل از نظر امنیت و برابری‌های اجتماعی و قانونی ویژه آنها باقی مانده است؛ راهی که یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موانع و مشکلات آزاردهنده آن، خشونت و ظلم خانگی علیه زنان است. هم‌اکنون خشونت خانگی، مسائل بین زن و شوهر و به‌طور کلی حوزه آسیب‌های مربوط به خانواده جدی‌ترین و اساسی‌ترین موضوعاتی است که در صدر آمار اورژانس اجتماعی به‌عنوان پایگاهی برای ایجاد فضای فیزیکی و روانی امن ویژه اقشار آسیب‌پذیر، قرار دارد. طبق آخرین آمار منتشرشده حدود ۳۸درصد از آمارهای کلی اورژانس اجتماعی را به‌خود اختصاص داده است.

رسانه: در حوزه رسانه نرخ مشارکت زنان فعال در عرصه فناوری اطلاعات به ۳۱٫۵درصد رسیده است و ۹۰۳زن فیلمساز رسمی در ژانرهای مختلف در عرصه سینما و بیش از ۲هزار زن متخصص در پشت صحنه سینما فعالیت دارند. ۱۱۴جایزه ملی و ۱۲۸جایزه بین‌المللی توسط فیلمسازان زن در جشنواره‌های گوناگون کسب شده است. از ۴۵جشنواره مطرح بین‌المللی که زنان ایرانی در آنها به‌عنوان رئیس‌هیأت داوران حضور داشته‌اند نیز نباید غافل ماند.

جهان

آمار بالای زن‌کشی در کشورهای مدافع حقوق زنان

کشورهای غربی در حالی مدعی دفاع از حقوق زنان هستند که آمار خشونت‌های خانگی منجر به قتل در آنها با سرعت سرسام‌آوری رو به افزایش است. این ادعا را آمار مندرج در بولتن «نگاهی به وضعیت زنان در کشورهای اروپایی» گواهی می‌دهد. در این بولتن که توسط ستاد حقوق بشر کشور منتشر شده، روند رو به رشـــد زن‌کشی در برخی کشورهای اروپایی بیان شده است.

قتل توسط همسران

گزارش ســال ۲۰۱۸ دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد نشــان می‌دهد شــمار بالایی از قتل زنان توسط همسرانشان انجام می‌شـــود و این در حالی است که قربانیان پیش از قتل، خشونت غیرکشنده مبتنی بر جنسیت را تجربه کرده‌اند.

در بولتن منتشرشده آمده است: «بسیاری از زنانی که به وسیله همسرانشان به قتل رسیده‌اند، خشونت بین فردی یا خانوادگی را هم تجربه کرده‌اند و زن‌کشـــی یکی از انواع خشـــونت‌های خانگی است که در کشورهای اروپایی دیده می‌شود.»

گزارش ســـازمان ملل متحـــد دلایل خشـــونت‌های منجر به زن‌کشی را چنین توضیح داده است: «آسیب‌پذیری اجتماعی زنان، نابرابری قانونی و دسترســـی کم بـــه آموزش- که منجر به نابرابری جنســـیتی، انـــزوا و تبعیض اجتماعی می‌شـــود- محرک‌های خشونت علیه زنان و زن‌کشی است.»

خشونت رو به افزایش

آمـــار و ارقامی کـــه پارلمان اتحادیـــه اروپا در ســـال ۲۰۲۱ درباره خشـــونت علیه زنان منتشـــر کرده، نشان می‌دهد سیر خشونت‌های خانگی در این کشورها روندی رو به رشد داشته اســـت. در این گزارش اعلام شده که در ســـطح جهانی عمده قربانیان قتل‌های عمد را زنان تشکیل می‌دهند.

گزارش کمیسیون مقام زن در ســـال ۲۰۲۱ نیز نشان می‌دهد که زنان در ۵قاره، عمدتا توسط همسر یا اعضای خانواده کشته شـــده‌اند که درمجموع، ۵۰۳۰۰قتل در سال ۲۰۱۷ به وقوع پیوســـته‌اند. آفریقا ۱۹۰۰۰نفر، قاره آمریـــکا ۸۰۰۰نفر، اروپا ۳۰۰۰نفر و اقیانوسیه ۳۰۰نفر قربانی داشته‌اند.

حقایق ثبت نمی‌شوند

آمارها در حالی مطرح می‌شـــود که خشونت علیه زنان به‌طور گسترده کمتر ثبت شـــده اســـت و کمتر از ۴۰درصد از زنان قربانی، این جنایت را گزارش کرده‌اند یا به‌دنبال هر نوع کمکی از سوی پلیس دادگاه و یا اقوام خود هستند.

آمارها همچنین نشان می‌دهد در اروپا بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، تعداد قتل‌های عمدی با قربانی کردن زنان در اتریش، فنلاند، لتونی و مونته‌نگرو افزایش یافته و در ایرلند، ایتالیا، نروژ، رومانی و انگلیس تغییری نداشته است.

کرونا عامل افزایش آمار

این در حالی اســـت که شـــیوع کرونا نیز عاملی برای تشدید خشونت علیه زنان در سطح جهان شـــده است. سازمان‌های بین‌المللی از جمله دفتر مقابله با موادمخدر و جرم ســـازمان ملل و کمیسیون مقام زن در ســـال ۲۰۱۹، شواهدی در مورد تأثیر همه‌گیری کرونا بر خشـــونت علیه زنان منتشر کرده‌اند. در داده‌های سازمان‌های بین‌المللی آمده است شیوع بیماری کرونا منجر به افزایش ســـطح پیچیدگـــی در مدیریت موارد خشونت علیه زنان، به‌ویژه همسرکشی و همچنین نوسانات در سطح تماس‌های اضطراری برای درخواست کمک و مراجعه به اماکن امن، شده است.

از قتل در خانه تا کشتار در جنگ

خشونت علیه زنان و زن‌کشی اقسام مختلفی دارد که از جمله آن می‌توان به زن‌کشـــی به‌عنوان همسرکشـــی، زن‌کشی خانوادگی، زن‌کشـــی به‌عنوان قتل ناموســـی، زن‌کشی در جنگ و درگیری و دیگر موارد اشاره کرد.

طبق گزارش‌ها، در ماه‌های اول قرنطینه ســـال ۲۰۲۰، در مناطقی مانند ایتالیا، رژیم صهیونیســـتی، قبرس و ترکیه، موارد زن‌کشی بیشتر از ســـال قبل بوده است. در قتل‌های به وقوع پیوســـته ۸۲درصد از قربانیان زن و ۱۸درصد مرد هستند که این آمار خود حاکی از خشـــونت گسترده علیه زنان است.

هشدارهای پاپ فرانسیس

بالا رفتن آمار خشونت علیه زنان در کشورهای اروپایی، صدای اعتراض پاپ فرانســـیس رهبر کاتولیک‌های جهان را هم بلند کرده است. او در گزارشی که خبرگزاری رویترز منتشر کرده، افزایش خشونت علیه زنان در غرب را مورد نکوهش قرار داده و گفته است: «تعداد زنانی که در منازلشان از سوی همسرانشان کتک می‌خورند و مورد سوءاســـتفاده قرار می‌گیرند بســـیار بالاست.»

از زمان آغاز همه‌گیری کووید-۱۹ پاپ فرانسیس چندین بار درمورد خشونت‌های خانگی که در بسیاری از کشورهای غربی به‌دنبال اعمال قرنطینه افزایش یافته، سخن گفته است.

VIOLENCE AGAINST WOMEN
I MARCH WITH WOMEN EVERYWHERE